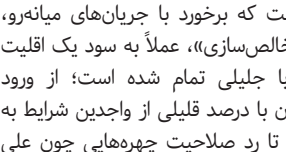


اصولگرایان هم به ادبیات جلیلی واکنش نشان دادند

تشبیه مردم ایران به «گوساله‌پرستان بنی اسرائیل»؟



سید جلیلی خابرنائین؛ سعید جلیلی با تشبیه

طرفداران مذاکره به «گوساله‌پرستان بنی‌اسرائیل»

سعید جلیلی خابرنائین؛ سعید جلیلی با تشبیه طرفداران مذاکره به «گوساله‌پرستان بنی‌اسرائیل» واکنش‌های زیادی را برانگیخته است. جلیلی سال گذشته، در رقابت انتخاباتی با رقیبی که او هم شعارش دیپلماسی و تنش‌زدایی بود، باز هم شکست خورد. در مرحله اول آن انتخابات، ۴۰ درصد مردم شرکت کرده بودند و در مرحله دوم، وقتی پزشکیان و جلیلی رودرو شدند، مشارکت به ۵۰ درصد رسید. پیام روشن بود: رای دهندگان جلیلی‌را نمی‌خواستند. حالا، یک‌ماه پس از پشت سر گذاشتن جنگ ۱۲ روزه، علی لاریجانی به عنوان دبیر شورای عالی امنیت ملی انتخاب شده و واکنش تند جلیلی در قبال طرفداران مذاکره، به شدت خبرساز شده است. اما مسئله صرفاً تغییر فرد نیست؛ سؤال اصلی این است که با چنین هتاکی به مردم چگونه می‌توان در انتخابات شرکت کرد و خود را در معرض رای آن‌ها قرار داد؟ آیا حکمرانی کردن بر مردمی که جلیلی چنین ذهنیتی درباره آن‌ها دارد افتخار است؟

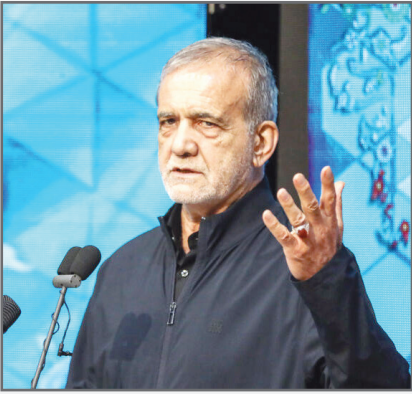
از آغل بنداری وطن تا گوساله‌پرستی بنی اسرائیل
بی‌پرده‌تر و عریان‌تر از این، هیچ تصویری نمی‌توانست رای‌نگاه برادران جلیلی به «ملیت» و «منافع ملی» باشد. دو چهره‌ای که سال‌ها در سطوح بالای سیاست‌گذاری دیپلماسی و رسانه نقش‌آفرین بوده‌اند، این‌بار بی‌هیچ تعارفی به مخالفان خود تاختند.

آغاز ماجرا با برادر کوچک‌تر، وحید جلیلی، قائم‌مقام صداوسیما رقم خورد. درست در روزهای پس از جنگ ۱۲روزه که اساسات میهن‌پرستانه در رگ‌های ایرانیان غلیان کرده بود، جلیلی از پشت صحنه به جلوی دوربین آمد و به مخالفان سیاسی‌اش تاخت و گفت منظورشان از همبستگی این است که وطن آغل شده باشد. این چند کلمه مثل کبریتی در انبار باروت موجی از واکنش‌ها را برانگیخت؛ بسیاری خواستار برکناری او شدند. اما او نه تنها بر شغل خود باقی ماند بلکه تنها یک ماه بعد، برادر بزرگ‌ترش سعید، استعراه‌ای حتی جنجالی‌تر رو کرد. انتصاب علی لاریجانی به‌عنوان دبیر شورای عالی امنیت ملی، گمانه‌ها را به سمت خروج سعید جلیلی از این شورا برد. اما جلیلی پیش از آن‌که در کرسی‌اش لرزان شود، تیر استعاره را به‌شار و در یک جلسه، طرفداران مذاکره و «گوساله‌پرست» خواند. او در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: «خداوند برای بنی‌اسرائیل پیامبری فرستاد تا آنها را از ظلم فرعون برهاند، اما پس از پیروزی بر فرعون، وقتی ۴۰ روز پیامبرشان به کوه طور رفت، گوساله‌پرست شدند؛ عده‌ای هم امروز، بعد از آنکه دشمن وسط مذاکره به ما حمله کرد و ملت ایران پیروز شد، دوباره دم از مذاکره می‌نند.»

ادامه هتاکی به مردم این بار با تشبیه به گوساله‌پرستی
در واقع، استفاده مکرر این دو برادر از تشبیهاتی این چنینی، برآمده از نگاهی سیاسی است که مخالف خود را به رسمیت نمی‌شناسد.

یژشکیان:

دولت با آغوش باز از جهادگران ودانشمندان استقبال می‌کند



رئیس جمهور از همه جهادگران جهاد دانشگاهی قدردانی کرد و گفت: اگر با همین روحیه جهادی و با حضور فعال در صحنه باشید، دولت با همکاری شما توان حل بسیاری از مسائل را خواهد داشت؛ امید من تنها به جهادگران و دانشمندانی است که دغدغه کشور را دارند و دولت با آغوش باز از آنان استقبال خواهد کرد.

به گزارش شنبه شب ایرنا از پایگاه اطلاع رسانی ریاست جمهوری، مسعود پزشکیان در مراسم گرامیداشت چهل و پنجمین سالگرد تشکیل جهاد دانشگاهی که شامگاه شنبه ۸امرداد در دانشگاه علم و صنعت برگزار شد، در سخنانی ضمن ادای احترام و تکریم همه شهدای انقلاب اسلامی، به ویژه شهدای جنگ تحمیلی ۱۲ روزه، با اشاره به ایثارگری‌ها و رشادت‌های فرزندان این سرزمین در برابر توطئه‌ها و دسیسه‌های دشمنان، اظهار داشت: دشمنان ملت ایران از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی تاکنون با طراحی نقشه‌های متعدد و پیچیده، تلاش کردند تا مانع از استقامت و پیشرفت این مردم باشند. بیش از ۲۰ هزار جهادگر مخلص و فداکار را در برهه‌های مختلف به شهادت رساندند تا انقلاب را از مسیر خود بازدارند، اما به خواست خود نرسیدند. اگر امروز آن جهادگران با همان روحیه و اخلاص حضور داشتند، چالش‌های جانش‌ایمانی که به وجود نمی‌آمد؛ دشمنان آگاهانه نخبگان این کشور را از ما گرفتند.

سال‌هاست که برخورد با جریان‌های میانه‌رو، به‌نام «خالص‌سازی»، عملاً به سود یک اقلیت همسو با جلیلی تمام شده است؛ از ورود نمایندگان با درصد قلیلی از واجدین شرایط به مجلس، تا رد صلاحیت چهره‌هایی چون علی لاریجانی در انتخابات ریاست‌جمهوری.

جلیلی در حالی این جملات را مطرح کرده که سال گذشته در رقابت با پزشکیان شکست خورد؛ کسی که خواستار تنش‌زدایی در عرصه خارجی بود. اگر جلیلی خود را «موسی» می‌داند، این برداشت هم شکل می‌گیرد که رأی‌دهندگان به پزشکیان، همان «بنی‌اسرائیل» به شمار می‌روند. در واکنش به جلیلی برخی از دولتمردان پیشین وارد میدان شدند. محمدجواد آذری جهرمی، وزیر ارتباطات دولت حسن روحانی، در کانال تلگرامی خود طعنه‌ای تاریخی زد: «اگر اعجاز موسایی دارید، عصایتان را بر زمین بزنید و اگر نه، در این شرایط حساس، به رفتار هارون تاسی کنید و در میان جامعه اختلاف ایجاد نکنید؛ تصمیمات مهمی چون مذاکره، در زنجیره‌ای اتخاذ می‌شود که جنابعالی نیز حلقه‌ای از آن هستید؛ مخالفان‌ها را همان‌جا مطرح کنید، به خیر نزدیک‌تر است.»

خود را موسی نپندارید تا دنبال سامری نگریدید
حسام‌الدین آشنا، مشاور رئیس‌جمهور در دوران روحانی، هم در ایکس کنایه‌ای کوتاه اما تیز نوشت: «خود را موسی نپندارید تا مجبور نشوید دنبال سامری بگردید.»

اما صدای اعتراض به سعید جلیلی این بار فقط از اردوگاه اصلاح‌طلبان و میانه‌روها برخاست؛ بخشی از اصولگرایانی که روزگاری از او حمایت می‌کردند نیز این‌بار در صف منتقدان ایستادند.

تسним: هرچه بیشتر تامل می‌کنیم غلط بودن حرف‌های جلیلی آشکارتر می‌شود

خبرگزاری تسنیم از موضع جریان انقلابی به سخنان سعید جلیلی واکنش نشان داده و نوشته: «جناب جلیلی وقتی چنین تشبیهی را به کار می‌برد، قاعدتاً باید توضیح دهد که وجوه این تشبیه کدامند؟ مشبّه و مشبّه‌به چیست؟ وجه

شبیه آنها کجاست؟ موسی چیست؟ گوساله‌پرستی دقیقاً اینجا مصداق چیست؟ سامری کدام است؟ چه کسی به کوه طور رفته؟ هرچه بیشتر تامل می‌کنیم، غلط بودن این توییت آشکارتر می‌شود! انتقاد به روند و محتوای مذاکرات چیز بدی نیست؛ بلکه هر نظام حکمرانی از تضارب آرا بهره می‌برد، اما این نقدها زمانی مفید است که از رادیکالیسم و هیجان فاصله بگیرد. تضارب آرا ارزشمند است، به شرطی که کشش رادیکال‌گویی را از پای سیاست درآوریم.»

انتقادها به جلیلی حتی به رسانه‌های اصولگرا و همسو با جریان انقلاب هم کشیده شد. روزنامه «جوان» در یادداشتی صریح نوشت: «تمثیل گوساله سامری و آغل‌شدن ایران، نه لحن مناسبی دارد و نه کوچک‌ترین تناسبی با رفتار فرضاً طرفداران مذاکره. چنین تعبیری فقط فضای مجازی را به هم می‌ریزد و مقدمه‌ای می‌شود برای رفتارهای ضدانسجام بعدی.»

روزنامه خراسان: رهبری غایب نیست بلکه راهبردهای اساسی را شخص‌هادیت می‌کنند
طیف محمدباقر قالیباف که تحرکاتشان بین دو سر طیف دولت پزشکیان و اکثریت جبهه پایداری



در مجلس نوسان داشته هم در ارتباط با سخنان جلیلی موضع انتقادی گرفتند. روزنامه خراسان، رسانه نزدیک به قالیباف می‌نویسد: «در این مورد خاص، تمثیل مذکور بر فرض «غیبت رهبری» بنا شده، حال آن که رهبر حکیم انقلاب تنها در عرصه فرماندهی کلان کشور حضور فعال دارند، بلکه راهبردهای اساسی را شخصاً ترسیم و مجریان را هدایت می‌کنند.»

خراسان در ادامه یادداشت خود نوشت: «این نوع بیان و تمثیل از زبان آقای جلیلی، نه تنها بی‌انصافی است، بلکه ناسپاسی آشکاری نسبت به فداکاری جمعی یک ملت است که در بزنگاه‌های تاریخی، از عزت و استقلال خود دفاع کرده‌است.»

هم موسی هست و هم مردم گوساله‌پرست نشند

در همین حال، سید محمود رضوی، مشاور رئیس مجلس با کنایه به توییت اخیر جلیلی نوشت : «نمیدانم چرا می‌خواهند در اذهان تثبیت کنند موسی در دسترس نیست و به کوه طور رفته! اما موسی نه تنها به میان مردم آمد، بلکه هر روز در تصمیم‌گیری‌ها، جلسات و پشت بلندگو بود. مردم هم در روزهای جنگ نشون دادند که تمام قد پشت موسی هستند و قوم بنی اسرائیل نیستند که با بی‌خبری گوساله پرست بشن؛» سعید آجورلو از دیگر چهره‌های حلقه محمدباقر قالیباف هم در واکنش به مثال جلیلی نوشت: «هم موسی هست و هم ملت گوساله‌پرست‌نشدند.»

باز هم مثل همیشه کیهان در کنار راست تندرو
در این میان فقط رسانه‌های خاصی پشت سعید جلیلی درآमند. کیهان از جمله آنها بود که نه تنها فعالیت سعید جلیلی را در شورای عالی امنیت ملی اثرگذار خواند، بلکه نوشت: «برخی افراطیون ورشکسته وانمود می‌کردند که لازمه آمدن لاریجانی، حذف جلیلی از شورا است. اما این فضاسازی با خبر تشکیل معاونتی جدید با ماموریت‌های ویژه و انتقال آقای احمدیان از شورا به دولت، نقض شد. هدف از تحول اخیر در

بی‌پرده‌تر و عریان‌تر از این،

هیچ تصویری نمی‌توانست

راوی نگاه برادران جلیلی

به «ملیت» و «منافع ملی»

باشد. دو چهره‌ای که

سال‌ها در سطوح بالای

سیاست‌گذاری دیپلماسی و

رسانه نقش آفرین بوده‌اند،

این‌بار بی‌هیچ تعارفی به

مخالفان خود تاختند

شورا، برخلاف انگاره‌سازی موهوم افراطیون مدعی اصلاحات، تقویت اقتدار ملی با تمرکز بر نقش دولت در شورا است و نه محروم کردن شورا از حضور فرد صاحب‌نظر و برجسته‌ای مانند آقای جلیلی. بنابراین نباید در تله مجادله‌انگیزان و اختلاف‌افکنان گرفتار شد.»

رجانیوز به مدیرمسئولی میثم نیلی برادر داماد ابراهیم رئیسی هم با ادعای اینکه جریان سعید جلیلی راه میانه «جنگ» و «تسلیم» است می‌نویسد: «حمله مستقیم رژیم صهیونیستی و سپس آمریکا به ایران و پاسخ قاطع و تاریخی جمهوری اسلامی در ۱۲ روز، تمامی معادلات را بر هم زد. این رویداد چند حقیقت بزرگ را روشن کرد: اولاً، «بت مذاکره» نتوانست مانع جنگ شود؛ دشمن در حالی که مشغول مذاکره بود، حمله نظامی مستقیم انجام داد. ثانیاً، ملت ایران نه تنها در جنگ نابود نشد، بلکه بر «فرعون زمانه» غلبه کرد و بازدارندگی بی‌سابقه و تاریخی ایجاد کرد. ثالثاً، مشخص شد راه سوم، یعنی «مقاومت قدرتمند»، نه تنها ممکن، بلکه تنها مسیر عزت و امنیت است.»

مسابقه سعید و وحید در برانگیختن افکار عمومی
برادران جلیلی در یک ماه گذشته دو بار زبان به هتاکی سیاسی گشودند؛ نخست پس از جنگ ۱۲ روزه که مردم عملکردی استثنایی از خود به نمایش گذاشتند، و بار دیگر در روزی که دبیر شورای عالی امنیت ملی تغییر کرد. واقعیت این است که مهم نیست چه کسی سکاتدار این مسئولیت شده، بلکه سبکتال تغییر در سیاست‌گذاری‌های کلان کشور است که داخل و خارج را متوجه خود ساخته است. در این میان، سعید جلیلی ناخواسته با این جریان تغییر همراه شد، اما با اظهاراتی که بیشتر شبیه به خودزنی است، سرعت کنار رفتن خود از افکار عمومی حتی اصولگرایان را افزایش می‌دهد. در واقع او به بخشی از مردم که افراتیون و ورشکسته وانمود می‌کردند که لازمه آمدن لاریجانی، حذف جلیلی از شورا است، اما این فضاسازی با خبر تشکیل معاونتی جدید با ماموریت‌های ویژه و انتقال آقای احمدیان از شورا به دولت، نقض شد. هدف از تحول اخیر در

خود را در اختیار رژیمی جنایتکار قرار داده‌اند تا برخلاف تمامی پیمان‌ها و قوانین بین‌المللی، زنان و کودکان بی‌گناه را در غزه و دیگر نقاط به خاک و خون بکشد و سپس دم از صلح، امنیت و حقوق بشر می‌زنند؛ این فریبکاری شرم‌آور است. رئیس جمهور با اشاره به فضاسازی دروغین رسانه‌های حامی رژیم صهیونیستی افزود: تصویری از یک اسیر صهیونیست را که در اثر محاصره غذایی و دارویی رژیم صهیونیستی در غزه دچار سوءتغذیه شده است، نشان می‌دهند و برخی کارشناسان به اصطلاح حقوق بشر، گروه‌های مقاومت را به نقض حقوق بشر متهم می‌کنند، بدون آنکه بگویند اساساً چه کسی راه آپ، غذا و دارو را بر زنان و کودکان بی‌گناه این منطقه بسته است؟ سازمان‌های بین‌المللی حقوق‌بشری کجا هستند؟ آیا واقعاً درک و فهمی از حقوق بشر دارند؟

پزشکیان در ادامه افزود: امام حسین(ع) در روز عاشورا زمانی که کودک خردسال خود را بر سر دست گرفته بود فرمودند که شما با من در جنگید، اگر به من رحم نمی‌کنید، به این طفل رحم کنید، و اگر دین ندارید لااقل آزاد باشید. امروز رژیم صهیونیستی و حامیانش نه تنها دین ندارند، بلکه مردانگی و آزادی‌گری را نیز زیر پا گذاشته‌اند و همان جنایت را بر سر کودکان مظلوم غزه می‌آورند. تاسف بار است که کشورهای غربی مدعی حقوق بشر، از این جنایتکاران به عنوان مدافعان حق خود یاد می‌کنند.

واقعاً ما در چه دنیایی زندگی می‌کنیم؟

رئیس جمهور در پایان سخنان خود از همه جهادگران جهاد دانشگاهی قدرتی کرد و اظهار داشت: اگر با همین روحیه جهادی و با حضور فعال در صحنه باشید، دولت با همکاری شما توان حل بسیاری از مسائل را خواهد داشت. امید من تنها به جهادگران و دانشمندانی است که دغدغه کشور را دارند و دولت با آغوش باز از آنان استقبال خواهد کرد. راهی جز این نداریم؛ امکان ندارد با ذهن‌های بسته و رویکردهای اداری تغییر حاصل شود. باید نگاه و رفتارمان را تغییر دهیم تا از این شرایط خارج شده و مشکلات را حل کنیم. پزشکیان در این مراسم همچنین نسبت به پیگیری درخواست رئیس جهاد دانشگاهی مبنی بر بازگشت این نهاد به شورای عالی انقلاب فرهنگی نیز قول مساعد داد.

سخن نخست

صدای نشیده‌ها، در دهای دیده‌نشده

ادامه از صفحه یک
هفت سال پیش، در لباس خبرنگار، قدم در کوچه‌هایی گذاشتم که زنده بودند و زخمی. کوچه‌های فراموش شده ای که فقط چند قدم با هیاهوی بازار پرنور و پرزرق‌وبرق فاصله داشتند، اما گویی کیلومترها از انسانیت دور بودند. جایی میان دو جهان: یکی روشن و پررئوق، و دیگری غبارگرفته، با دیوارهایی که درد را مثل نم پس داده بودند.

در هر خانه‌ای را که زدم، با کوهی از اندوه و خاموشی روبه‌رو شدم. یادم نمی‌رود آن خانه‌ی کوچک کاه گلی را؛ غذای گرم در دست داشتم و تازه رسیده بودم که پسری از بالای پشت‌بام، ظرف‌های پلاستیکی را دید و با هیجان و اضطرابی آمیخته به شرم، نفس‌نفس‌زنان خودش را به در رساند. با دستانی سیاه و ترک‌خورده، قفل زنگ‌زده را باز کرد و هنوز در نیمه‌باز بود که چنگ زد در غذا. نه منتظر تعارف شد، نه نگاهی انداخت ؛آخر گرسنگی در نگاهش زبانه می‌کشید.

چند خند آن‌سوتر، پدر سیه‌چرده‌ای را دیدم که همراه پسرک پنج‌ساله و دختر نوجوانش، دور یک پیک‌نیک نشسته‌بود و بی‌تفاوت به حضور غریبه‌ای مثل من، مشغول کشیدن تریاک بودند. مادر، در گوشه‌ای ایستاده بود؛ بی‌حرف، بی‌حرکت، بی‌امید. هیچ خجالتی نبود، هیچ تلاشی برای پنهان کردن چیزی. واقعیت‌شان، همان بود که بود.

خانه به خانه، کوچه به کوچه، با تکه‌هایی از فروپاشی روبه‌رو می‌شدم. کودکانی که ترک‌تحصیل، برای‌شان نه انتخاب، بلکه سرنوشت بود. و کمی جلوتر دخترکانی که از میان دیوارهای ترس و تاریکی، بی‌صداراهی جز عبور از مرزهای تن‌نیافتند...

امروز، بعد از هفت سال، با گذر از آن کوچه‌ها به عینه میبینم نه تنها شرایط بهبود نیافته، بلکه پیچیدہ‌تر و ریشه‌دارتر شده‌است. چه معلوم همان پسرک، اگر امروز زنده باشد یا خود مصرف‌کننده است و یا حامل دردی جدید.

رسانه‌ها هنوز می‌نویسند و ثبت می‌کنند، اما هیچ‌کس نمی‌پرسد: بعدش چه؟

مشکل دقیقاً همین‌جاست. رسانه‌ها گاهی فقط رای‌ادی؛ بدون پیگیری، بدون مطالبه.

و مسئولان، با طرح‌ها و وعده‌های بی‌دوام، فقط زخم‌ها را نام‌گذاری می‌کنند بی‌آنکه درمانی اصولی برای‌شان داشته باشند. بی‌شک بی تعارف باید گفت حال که گسل بین سیاست‌گذاران و زیست واقعی مردم، روز به روز عمیق‌تر می‌شود اگر قرار است تغییری رخ دهد، حداقل رسانه باید خودش را از نقش منفعل «ثبت‌کننده» خارج کند. باید در دل ماجرا باشد، کنار مردم، همراه آن کودک، ما نیاز به خبرنگارانی داریم که اهل همان محله‌ها باشند، همان درد را زندگی کرده باشند. گزارش‌هایی که رها نمی‌شوند، بلکه پیگیری می‌شوند؛ پرونده‌هایی که تا حصول نتیجه، باز می‌مانند. ما به این‌تلاف نیاز داریم؛ بین رسانه‌ها و کنشگران اجتماعی، بین دوربین‌ها و دست‌هایی که هنوز به زندگی ایمان دارند. ما باید نشانه‌ها را کنار بگذاریم و به سراغ علت‌ها برویم؛ چرا فقر این‌همه پایدار است؟ چرا کودکان مدرسه را ترک می‌کنند؟ چرا پدر خانواده با فرزندش پای دود می‌نشیند؟ چرا هیچ‌کس نمی‌پرسد آن دخترک حالا به چه روزی افتاده است؟

این پرسش‌ها، اگر صادقانه در زبان رسانه جاری شوند، می‌توانند تبدیل به خواست عمومی شوند؛ و هر خواست عمومی، در نهایت، قدرت تغییر می‌سازد.

استاد معتمدنژاد روزی نوشت: «مطبوعات اگر زبان مردم نباشند، فقط صدای قدرت خواهند بود.»

امروز، به عنوان یک رسانه ای ، از خود می‌پرسم: آیا ما هنوز زبان مردم هستیم؟ آیا اگر آن پسرک بخواد چیزی بگوید، راهی برای صدا شدنش داریم یا نه... فقط داریم صدای خاموش‌شدن‌ها را آرشو می‌کنیم؟

اخبار

بررسی موانع اتحاد ملی در گفت‌وگو با نماینده ادوار مجلس

نماینده مردم آباد در مجلس هشتم گفت: تندروهای جریان‌های سیاسی و خودخواهی‌های بی‌پایان‌شان یکی از مهمترین عوامل بر هم زنده اتحاد و از مهمترین موانع اتحاد ملی هستند.

حجت‌الاسلام داوود محمدجانی در گفت‌وگو با ایسنا، به اهمیت حفظ اتحاد ملی و موانع و چالش‌های موجود در مسیر تقویت همبستگی ملی پرداخت و گفت: اتحاد جامعه از هر جهت و جنبه و به خصوص در این دوره زمانی، بسیار مهم و حساس است.

وی بیان کرد: وحدت و انسجام اجتماعی در جنگ تحمیلی ۱۲ روزه به وضوح به رخ جهانیان کشیده شد. یکی از عوامل مهم پیروزی ما در این جنگ اتحاد و همبستگی ملی در همه جریان‌های سیاسی و اجتماعی بود. مردم در کنار ارگانها، جریان‌های سیاسی و احزاب با یکدیگر متحد شدند و باید این اتحاد را پاس داشت و به هر شکل ممکن استمرار بخشید.

عضو هیات رئیسه کمیسیون کشاورزی مجلس هشتم در ادامه به تبیین موانع پیش روی تداوم انسجام ملی پرداخت و گفت: تندروهای جریان‌های سیاسی و خودخواهی‌هایشان یکی از مهمترین عوامل بر هم زنده اتحاد و از مهمترین موانع اتحاد ملی است که در طول این دو سه دهه اخیر ثابت کرده‌اند منافع مردم برایشان اهمیتی ندارد، بلکه تنها مسئله‌ای که برایشان اهمیت دارد حفظ منافع گروهی و باندي خودشان است. وقتی منافع جریان تندرو به میان می‌آید، طبیعتاً منافع ملی به حاشیه می رود؛ بنابراین اتحاد ملی هم از بین می‌رود.

نماینده مردم آباد در مجلس هشتم بیان کرد: اگر عوامل این جریان دست از خودخواهی‌های‌شان بردارند مسلماً اتحاد ملی دوام و بقاء بیشتری خواهد داشت، اما متأسفانه بعد از جنگ تحمیلی ۱۲ روزه همین جریان تلاش کرد اتحاد ملی را با نگاه خودش تعریف کند. به بیان روشن‌تر به نفع جناح‌های سیاسی تندرو نیست که همبستگی ملی شکل بگیرد، حیات این جریان در نبود اتحاد و وحدت سیاسی و اجتماعی است.

محمدخانی متذکر شد: متأسفانه بخش هایی از این جریان تندرو در مراکز تصمیم‌گیری ریشه دوانده و در تصمیم‌گیری‌ها دخالت کرده و حتی قانون گذاری می‌کند. به نظر بنده راهکار این است که این جریان و اعضای آن به اتحاد و وحدت ملی تن دهند. اگر این کار انجام شود حدود ۷۰ درصد موفقیت برای اتحاد ملی ایجاد می‌شود ۳۰ درصد بقیه هم سایر گروه‌های اجتماعی جامعه هستند.

وی گفت: اهمیت دادن به گروه‌های سیاسی در حقیقت اهمیت دادن به نخبه‌های جامعه و جذب آنان و به دنبال آنان جذب جوانان تاثیر زیادی در فراگیر شدن انسجام و اتحاد ملی دارد. برای ایجاد تحول در بخش های مختلف کشور نیاز به ورود جوان‌ها به ساختار قدرت است. متأسفانه نمی‌دانم نظام پیرمردسالاری تا کی قصد دارد به حیاتش ادامه دهد. نظام باید فکری برای آنان بکند و با ایجاد ساختار آموزش نیروی انسانی جوان متکی بر شایسته‌سالاری باید نظام سیاسی و اجتماعی کشور را متحول کرد. جوانان دلسوز و متخصص که متأسفانه به دلیل سوءمدیریت‌ها دچار فقر و بی‌انگیزگی هستند، به دور از آلودگی‌های سیاسی و فکری دست در دست هم شرایط کشور را در حوزه‌های مختلف بهبود خواهند داد.